

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۶ جنوری ۲۰۱۲

مقدسات در اسلام

بخش اول

در جامعه امروزی ما اگر به فیلسوفی – نابغه و یا دانشمندی توهین روا داشته شود، اکثریت مردم خاموشی اختیار و برای شان فرقی نمی کند که چه شده و همه با نادیده گرفتن آن به موضوع اهمیتی نمی دهند، اما اگر نوشته – یا حرفی در مورد قرآن – محمد و یا اساسات اسلامی از کسی خوانده و یا شنیده شد فوراً جمله توهین به مقدسات عرض وجود می نماید و گوینده و یا نویسنده را به نام اینکه به مقدسات دیگران احترام نگذاشته نه تنها موجب توبیخ و تحقیر می پندارند بلکه در بعضی شرایط واجب القتل هم به شمار می رود و این رسمی است کهن و دیرینه که منشاء آن همانا استقرار و دوام تسلط غارت گران هستی ملت ها در چوکات های دینی و مذهبی است و تاراجگران تا جایی که برای شان مقدور بوده مردم را در خرافات پرستی نگهداشته اند تا به ادامه و بقای جنایات و چپاول زندگی های مادی و معنوی مردم دگر بیفزایند و این که آن مقدسات چیست و منشاء و عوامل موجودیت آن مقدسات چی می باشد که مسلمانان را به معیار های سنجش عقلانی مردم در جوامع مختلف فرقی می نماید. مثلاً چیزی عملی، و یا باوری و یا نزد گروهی از مردم مقدس است اما تعدادی دیگر به این باور نیستند و باور مندی های دیگری در باره مقدسات دارند که در تضاد با گروه اولی می باشد و این باور مندی ها بیشتر به صد ها اعتقاد و ایمان میرسد که دنباله روان آن ها هر کدام سعی در مقدس نشان دادن اعتقادات خود شان و نفی باور مندی دیگران دارند و این که مردم شریف ما دینداری و اسلام را منحیث مقدسات غیر ارادی و بدون فهم پذیرفته اند لازم می افتد تا در مورد آن مقدسات صحبت شده، تحلیل گردیده و با آنها در میان گذاشته شود تا تقدس و عدم آن واضح گردد

من در این نوشته کوشیده ام در مقدس بودن آن مقدسات که از ایده تسلط طلبی استعماری و حفظ منافع شان سر چشمه می گیرد به اندازه توانائی فکری و قلمی آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهم تا بدانیم آنچه به ما در ۱۴۰۰ سال به عنوان باور های دینی مقدس قبولانده شده قدسیت آن در کجاست ؟ فکر نمی کنم این گناهی باشد نابخشودنی، یعنی حقیقت چیزی را بر ملا ساختن و ماهیت آن را آشکارا به تحلیل گرفتن در قاموس انسانیت جرمی نخواهد بود. قبلاً در مبحثی زیر عنوان (وقایع و حوادث قبل از قیامت) یک سلسله چرنیات و مزخرفاتی را

که محمد و دنباله روانش، به نام باور های دینی به خورد مردم داده اند و چند گمراه منفعت جو و خاین به مردم زیر نام آیت الله - ملا - چلی - طالب العلم - عالم، فقیه - مولوی - حجت الاسلام- و بالاخره هم دکتوران پژوهشگران اسلامی - محققان اسلامی و همچنان پرو فیسور اسلامی که این آخری خیلی ها هم جالب و مضحک است مثل پرو فیسور سیاف - پروفیسور ر بانی- پرو فیسور مجددی ومنحیث دنباله روان و دعاگویان.. در بسط و توسعه این افسانه و خیالبافی ها رول مهم داشته و دارند و از هر چه خرافات است به نام مقدسات اسلام یاد نموده اند شرحی یا مدارک دینی و کتب اسلامی نوشته ام که اسلام همه آنها را مقدس به حساب آورده است حال اگر کسی از هموطنان من و یا یکی از آن دانشمندان حاضرند در این باره (آیا آن نوشته ها اسلامی مقدس استند یا نه) پا را جلو گذاشته و با زبان منطق بنویسند خوشحالم خواهند ساخت و قضاوت را به مردم شریف و زجر کشیده خود میگذاریم .

می بینیم که اکثریت ما، مردمی هستیم که در هیچ مقطع تاریخی از دانشمندان، محققان، سیاست مداران، عالمان، استادان، متخصصان، اقتصاد دانان، مخترعان و آزادی خواهان و توده های ضد استعمار و استبداد کشور تجلیل نکرده و حتی آنها را به یاد نداریم اما تمام خصوصیات اخلاقی بیگانگان اعراب وحشی را به شمول راه و روش معاشرت، شکل تشناب رفتن و غسل نمودن و با جزئیات آن بلد بوده و سالانه مرگ آنها را عزادار و تولد شان را جشن می گیریم و به اعمال زشت و درنده خوئی آنها که قاتلان آباء و اجداد ما بوده و هستی و زندگی ما را به تاراج برده اند با دیده درائی شکل تقدس می دهیم و به پیروی از اعمال آنها خود را مکلف و افتخار خادم بودن شان را به دیگران قصه، تأیید و هدایت همچو روش را حکم می داریم . گروهی از مردم ما با صداقت کامل علاقه دارند تا این قدسیت را به واقعیت وجودی آن درک و منطقاً آن را بررسی نمایند . تا رو شنگر ذهنیت هائی که زیر بنای فکری شان باور های کهنه و خرافاتی هزاران سال قبل است باشد ممکن بعضی از آنها تحصیلات عالی هم داشته باشند اما چون در یک فامیل دینی تولد شده و مسیر زندگی خود را در آموزش های قالبی و تحمیل شده دینی و مذهبی پیموده اند دفاع از جانپان عرب و شمشیر زنهای بی عفت عربی و خدمت به شیخک های اعراب را جزء لاینفک وظیفه و عبادت خود دانسته و به وحشیانی که از زمان موجودیت عقیده چپاول گری دارائی و هستی مردم در چوکات های مقدس بر ما هجوم آورده به مادران و دختران و خواهران ما تجاوز نموده و به کنیزی برده اند از استخوانهای پدران ما قصر ها ساخته و باقیمانده نسل را حتا در جمله انسان هم به حساب نیاورده اند افتخار بدارند!!! و اندیشه های زهر آگین آنان را منحیث مقدسات حساب می دارند و بنده در این راستا خواسته ام ابتداء قدسیت ادیان مخصوصا اسلام را در تشریح موضوعات خرافات مقدس بدانم و بعداً به آن ایمان داشته باشم نه این که ادعا نمایم چون من مسلمانم پس عقیده من مقدس است و کسی حق توهین به آن را ندارد. باید دید و ثابت ساخت آن باور مندی و اعتقاد واقعاً مقدس است یا نه؟؟ و بعد در دفاع از تقدس آن بر خاست!! و ضمناً باید عرض نمایم که بررسی یک پدیده و آیده به مفهوم توهین به آن نیست!

از جمله موضوعات غیر تشریح شده و مبهم که داعیه داران اسلام از آن خیلی سطحی گذشته و برای دنباله روان خود و یا هم مردم نمی خواهند معلوماتی ارایه بدارند موضوعاتی مثل عرش خدا، لوح محفوظ، بهشت، دوزخ، پل صراط، نامه اعمال، صحرای محشر، زقوم، براق، نامه اعمال و... می باشدچون چیزی به حق و منطقی در باره آنان ندارند و اگر هم گاهی مجبور باشند یک چیزی بگویند و یا بنویسند فقط با پشت هم نمودن کلمات و جملات مضمونی را بیرون می دهند که قطعاً قابل قبول نبوده و موهوماتی بیش نیستند خیلی از موضوعات مهم اسلامی است که هر مسلمان در باره آن باور های داشته و همیشه از آن صحبت می دارند بدون این که از واقعیت و

چگونگی آن اطلاع درستی داشته باشند و تمام معلومات مسلمانها فقط در حدودی از تبلیغات و رهنمائی های دکانداران دین و آنانی که در راه تأمین منافع اعراب از هیچ نوع شرف فروشی دریغ ننموده و آن معلومات هم ضد و نقیض و سطی می باشد، فرا تر نمی رود و آن اطلاعات در حدودی است که مغز باز نشده مسلمان خاموش را احاطه نموده است.

مرو جین ادیان همیشه سعی بر این داشته‌اند تا ایده های خرافی را به نرمی و سادگی در اذهان عامه تزریق و شبیه های موهوم را خلق و انبساط دهند تا در این تاریکی ذهنی مردم بقای خود را تضمین و در قلمرو اجتماعی شان سلطنت کنند.

فکر می کنم اگر کسی مسلمان است و یا مجبور شده مسلمان باشد و یا اگر در خانواده مسلمان به دنیا آمده است باید در پهلوی این که باید بداند اسلام چیست؟ از موضوعات مطروحه آن هم باید باخبر باشند مثل محتویات کتابهایی که می گویند آسمانی است واقعات قبل از قیامت، جن و ملایک و ده ها موضوعی که جزئی از خرافات اسلامی و دینی می باشد. همچنان در باره عرش خدا، لوح محفوظ و پل صراط و اطلاعاتی ولو محدود اگر هم باشد داشته باشد؟ همچنان از پیش آمد وقایع و حادثات طبیعی و اجتماعی زندگی که نظر به ادعای ادیان از طرف خداوند قبلا تعیین شده و تصفیه اعمال خوب از بد و رفتن به بهشت موعود و یا دوزخ باید بداند که متأسفانه در صد زیادی از مسلمان از ماهیت و اصل قضیه دور افتاده و معلوماتی در این باره از نگاه اسلامی ندارند و اگر هم دارند کوتاه، ناقص و به درد بخور نمی باشد. طرح مسایل فوق فقط و فقط غرض اطلاع داشتن از مفاهیم و موجودیت واقعی آنها و یا هم ترسیم شکل تخیلی و موهومی آن است تا مسلمانها و همه بدانند ماهیت آنها چی بوده و است؟؟ و برای رسیدن به آنها و یا اجتناب از آنها به چیز های باور داشته و یا منکر آن باشند؟؟ و ما برای روشن شدن این مباحث مجبوریم به نوشتار اسلاميون و تحليل آنها پيرامون اين موضوعات با آیاتی از قرآن مراجعه نمائیم چون نمی توانیم برای تثبیت این همه موهومات متکی به نظریات استادان ریاضی و فزیک و دانشمندان علوم تحقیقی چیزی نوشت چون همه این موضوعاتی که ادیان مطرح می دارند در تضاد با علم و منطق انسانی بوده و غیر قابل پذیرش است. فلذا سراغ همان نوشته های عرب زده ها رفته و چرندیاتی ساخته و پرداخته اذهان اربابان شان را به بررسی مختصر می گیریم. تا باشد حد اقل روشنگر بعضی از اذهان باشد.

باید یاد آور شد که برای روشن شدن پاره ای از این موضوعات به سراغ اندیشه های ماتریالیستی نرفته و با به دیدگاه ضد آن نمی پردازیم. فقط می خواهیم از دیدگاه اسلامی، قرآن، احادیث و نظریه علمای فقه در باره آن روشنی انداخته و منتظر نظریات هموطنان مسلمان و خوش باور خود درین زمینه باشیم. ابتداء باید دید که عرش خدا چیست؟ و در کجاست؟؟ به تشریح آیات قرآنی و احادیث و یا هم چنین نظریات علمای فقه و یا به اصطلاح (دانشمندان) اسلامی؟؟

کلمه عرش در لغت به معنی: جای سقف دار. (المفردات فی غرایب القرآن- راغب اصفهانی ص ۳۲۹) تخت پایه بلند. (تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی دار الکتب ج ۲ ص ۲۰۰) مکان مرتفع (المنجد فی اللغة- لويس معلوف نشر پرتو ۱۳۷۱ ص ۴۹۶) به کار رفته است. (عرش = تخت، سریر، خیمه، سایبان، سقف، کاخ- فرهنگ عمید ج ۲ ص ۱۴۳۲) ولی در قرآن با توجه به موارد استعمالش در معانی مختلفی اطلاق شده که تمامی آنها در یک نقطه مشترکند و آن این که عرش (کنایه از عظمت خداوند و مخلوقات اوست) برای عرش معانی دیگری نیز ذکر شده از جمله ۱- علم بی پایان پروردگار - ۲- مالکیت و حکومت خداوند - ۳- هر یک از صفات کمالیه و حلالیه الهی - ۴- قلب پیامبران، اوصیا و مؤمنان - ۵- علمی که خداوند به پیامبران اعطا نموده است (تفسیر نمونه ج ۲۰ ص

۳۵) آنانی که فکر می کنند دانشمند اسلامی هستند چه عرب و یا جیره خواران عرب. ب شمول تمام مفسرین سعی داشته‌اند تا از عرش خدا مفهوم علم، دانائی و قدرت خداوندی را نمودار ساخته و چنان وانمود سازند که یعنی عرش = دانائی و علم خداوند که با رجوع به چند آیت قرآنی خواهیم دید که عرش همان تخت و جای جلوس قدرت مندان و پادشاهان است که محمد برای این که خداوند را موجودی با عظمت دارای تخت و تاج و لشکریان زیاد و قدرت ما فوق همه تجسم دهد آیه هائی در باره عرش خدا در قرآن وارد ساخت تا بتواند به این وسیله روحیه دشمنانش را ضعیف و روح سر کشی و چپاول گری را در مغز طرفدارانش ایجاد نماید. به آیات ذیل توجه فرمائید که با تمام تفسیر ها و روشنی انداز های اسلامی مغایرت کامل دارد:

در قرآن در سوره النمل آیت ۲۳ به ارتباط داستان سلیمان از عرش به نام تخت بزرگ یاد شده است . سوره النمل آیت ۲۶ ، خداوندی که معبودی جز او نیست و پروردگار عرش عظیم است. در سوره یونس آیت ۳ عرش به معنی تخت تعبیر شده است :

پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر تخت «قدرت» قرار گرفت و سوره فرقان آیت ۵۹ چنین می گوید : همان «خدای» که آسمانها و زمین را و آنچه میان این دو وجود دارد در شش روز آفرید سپس بر عرش «قدرت» قرار گرفت « و به تدبیر جهان پرداخت» او خداوند رحمان است از او بخواه که بر همه چیز آگاه است . همچنان سوره حدید آیت چهار که تکرار مکرر همان موضوع است چنین می گوید : «او کسی است که آسمان و زمین را در شش روز آفرید سپس بر تخت قدرت قرار گرفت » که اینجا هم کلمه عرش به معنی قدرت استفاده شده است.

ادامه دارد